



بررسی تحولات نهاد آموزشی قزوین (۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ ش) و انعکاس آن بر هنر معاصر قزوین

ابوالفضل رحمانی^۱، محمد کلهر^۲ ID*^۳، نصرالله پورمحمدی املشی^۳

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، rahmani111.tat@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، kalhor.mohammadv2@gmail.com

^۳ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، poor_amlashi@yahoo.com

چکیده

نهادسازی جامعه ایران در ابعاد مختلف فرهنگی و اداری که با انقلاب مشروطه آغاز شد، در مقطع زمانی ۱۳۲۰ - ۱۲۹۹ شتابی تازه گرفت و با جدیت دنبال شد. در بازده زمانی مذکور بنیاد نهادهای جدید فرهنگی قزوین نیز ریخته شد. یکی از محورهای اساسی سیاست فرهنگی حکومت رضاشاه در راستای سیاست مدرن‌سازی، نوسازی در حوزه آموزشی است که در نظام آموزشی قزوین در مقطع مذکور دگرگونی‌های گسترده‌ای ایجاد کرد و بخش عمده آن به بعد کمی (احداث مدارس جدید و افزایش تعداد دانش‌آموزان) مربوط بود ضمن اینکه در بعد محتوایی نیز (مواد درسی و سرفصل‌های آموزشی که بیشتر جهت نهادینه کردن حس میهن‌پرستی و... بود) شاهد تغییراتی هستیم. با وجود تحول در ساختار آموزشی، به واسطه سیاست آمرانه و شتاب‌زده که با بافت سنتی در تقابل بود، باعث شد مطالبات مورد انتظار به‌طور کامل محقق نشود. نهاد فرهنگی آموزش در قزوین محور مطالعه در پژوهش حاضر است که در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از گسترش نظام آموزش و مدرسه‌سازی در دوره پهلوی است، بقایای معماری برخی از این مدارس حاکی از تأثیر این تحول بر معماری قزوین در دوره معاصر است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تحولات نظام آموزشی قزوین در دوره معاصر.

۲. بررسی تأثیر مدرسه‌سازی قزوین در دوره پهلوی بر هنر معماری این دوره.

سؤالات پژوهش:

۱. تحولات نظام آموزشی دوره پهلوی در نهضت مدرسه‌سازی در شهر قزوین چه بازتابی داشت؟

۲. هنر معماری شهر قزوین چگونه در مدرسه‌سازی دوره پهلوی چه بازتابی یافته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۳۳۵ الی ۳۵۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۷/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

نهاد آموزشی،

قزوین،

دوره رضاشاه.

هنر معاصر.

ارجاع به این مقاله

رحمانی، ابوالفضل، کلهر، محمد،

پورمحمدی املشی، نصر له. (۱۴۰۲).

بررسی تحولات نهاد آموزشی (۱۳۲۰ -

۱۲۹۹ ش) و انعکاس آن بر هنر معاصر

در قزوین. مطالعات هنر اسلامی،

۲۰(۴۹)، ۳۳۵-۳۵۴.



[dori.net/dor/20.1001.1
.1735708.1402.20.49.65](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.65)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.1735708.1402.20.49.65](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1402.20.49.65)

مقدمه

شناخت تاریخ محلی با وجود مشکلات و سختی‌های دسترسی به اسناد و مدارک، یکی از راه‌های شناخت کلی تاریخ ایران در ادوار مختلف تاریخی است. سیر تحول نهادهای اداری - فرهنگی قزوین در ادوار مختلف تا دوره مشروطه به تاسی از تحولات ایران را می‌توان به حرکات تکاملی توجیه کرد که هر حلقه نو صورت کامل شده و دستاورد پیشینیان است. طبعاً نهادهای اداری - فرهنگی یک ملت نیز همچون سایر ابعاد وجودی جامعه، پیوسته در مسیر یکنواخت حرکت نمی‌کند بلکه در طول مسیر تکاملی خود دچار ضعف‌ها، بحران‌ها و گاهی افول‌ها نیز می‌گردد. نظام آموزشی جدید در قزوین با فرایند اصلاح‌گری و ایجاد نهاد مدارس نوین در دوره قاجار و از انقلاب مشروطه تا سال‌های آغازین حکومت پهلوی (۱۳۰۶ش) را دوره زمینه‌سازی نظام آموزشی نوین می‌توان لحاظ کرد. از سال ۱۳۰۶ش، اقدام آغازین برای همگانی کردن آموزش و حاکمیت عملی دولت بر آموزش که مدرسه به‌عنوان ابزار تحقق اهداف حکومت - قدرت مطلقه دولت و پادشاه، جایگزینی ملی‌گرایی به‌جای دین‌گرایی و مدرن‌سازی ایران - است. گرچه مشروطیت، سر آغاز تأسیس نهادهای جدید در ایران است اما بنیاد نهادهای جدید اداری - فرهنگی در دوره اول پهلوی ریخته شد؛ زیرا بحران‌های سیاسی و اقتصادی دامنه‌دار پس از مشروطیت، مجال برنامه‌ریزی را از تصمیم‌گیرندگان در دولت و مجلس ربود و همان تصمیمات گرفته شده نیز بنابر تنگناها و ضرورت‌های موجود عمدتاً به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی محدود شد و بنابراین برنامه‌ریزی گسترده اداری - فرهنگی به دوره پهلوی موکول گردید. نیاز به نوسازی یک عامل اساسی در این مقطع حساس از تاریخ ایران بود؛ چراکه به‌واسطه ارتباطات گسترده با جهان غرب و در برخورد با تجدیدی که از دوره قاجاریه شروع شده بود و در پی انقلاب مشروطه و خواست عمومی مردم، ضرورت ایجاد نهادهای جدید اداری - فرهنگی در کشور بیش از پیش احساس می‌شد. همچنین آگاهی گسترده‌ای که در جامعه پس از انقلاب مشروطه در میان اقدار مختلف مردم و حاکمان مبنی بر ضرورت نوسازی کشور و مقایسه وضعیت کشور با غرب و مشاهده عقب‌ماندگی ایران ایجاد شده بود لزوم اصلاحات را دوچندان می‌کرد. با گسترش آگاهی در این دوره، ایجاد نهادهای جدید لازم پیشرفت کشور دانسته شد.

در زمینه نظام آموزشی تغییرات چشمگیری صورت گرفت. در واقع، تحول آموزشی و احداث مدارس جدید شامل نخستین برنامه‌های دولت برای نوسازی کشور بود. در خاطرات شخصی رضاشاه به کرات لزوم تحول نحوه آموزش و مدرنیزه کردن آن در کشور اشاره شده است. این دغدغه عملی شد. از جمله در قزوین مدارس متعددی به شکل مدرن مورد بهره‌برداری قرار گرفت و نهاد آموزشی قزوین نیز به‌دنبال سیاست‌های اصلاحی شورای عالی معارف مصوب ۱۳۲۰ش در حوزه نظام آموزشی تغییر کرد.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. در بازه زمانی مورد بررسی برداشت‌های متناقض و گاه متضادی ارائه شده است که البته خالی از تعصبات و روح سیاست حاکم بر جامعه نیست لذا در این پژوهش سعی شده براساس اسناد موجود بررسی و تحلیل تحولات آموزش و فرهنگ قزوین براساس

واقع‌گرایی و بدون پیش‌داوری انجام گیرد. مطالب این پژوهش با استفاده از کتاب‌های اصلی و تحقیقی، اسناد، خاطرات، روزنامه‌ها و تا حدودی تاریخ شفاهی و مصاحبه جمع‌آوری و به نگارش در آمده است.

۱. نهاد آموزشی جدید

نظام آموزشی که پایه و اساس هر تغییری در جامعه است، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان انتقال فرهنگ و تمدن از نسلی به نسل دیگر محسوب می‌گردد و قدمتی همپای عمر بشر دارد. آموزش در میان ایرانیان طی دوره‌های مختلف تاریخ، دگرگونی‌هایی را پشت‌سر گذاشته است. توجه به دانش و آموزش از دوره‌های باستان در ایران زمین وجود داشت. پس از ورود اسلام و توصیه دین آسمانی بر لزوم علم‌اندوزی این امر ادامه داشت. جندی‌شاپور سه قرن پیش از اسلام - مساجد پس از ورود اسلام - بیت‌الحکمه در دوره‌های بعد - در دوره سلاجقه با تأسیس نظامیه، آموزش شکل رسمی و دولتی پیدا می‌کند و پس از آن مراکز علمی - تخصصی نظیر رصدخانه‌ها - خانقاه‌ها ایجاد شد.

ضرورت تحول در شیوه آموزش سنتی با تبادل هیأت‌های سیاسی در دوران فتحعلی‌شاه و فعالیت‌های عباس‌میرزا برای دستیابی به فنون و دانش جدید به‌وجود آمد. اولین چرخه‌های آموزش جدید در کشور را مدارس به سبک اروپایی ایجاد کرد که توسط مبعوضان خارجی تأسیس شد که همراه هیأت‌های کشورهای اروپایی به ایران می‌آمدند و در دوره قاجار به‌طور مکرر شاهد گشایش این مدارس هستیم. جریان‌های نوگرایی اما به‌رغم دشواری‌های فراوان توانست با اتخاذ شیوه‌ها و ترفندهای مناسب و خاص جامعه ایران به‌تدریج سازمان‌های آموزشی جدید را در ایران ایجاد کند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۱).

پس از مشروطه دوم و سقوط حکومت محمدعلی‌شاه در سال ۱۲۸۸ شمسی برای نخستین‌بار احزاب سیاسی تشکیل شد و جنبش‌های مردمی چون جنبش جنگل و خیابانی و کلنل پسیان بر اثر آزادی‌های به‌وجود آمده شکل گرفتند و همه این احزاب، گروه‌های سیاسی و جنبش‌ها نیز به خواسته ترقی خواهانه‌شان درباره وضع آموزش و پرورش تأکید داشته‌اند (قاسمی، ۱۳۷۷: ۴۱). در این دوران آموزش و پرورش منبع الهام برای هشیاری اجتماعی و آگاهی سیاسی شد و سنگ بنای پیشرفت‌های مهم شد. جنبش مشروطه و مدارس جدید تأثیرات متقابل بر یکدیگر داشتند. از سویی مدارس جدید مرکز تنویر فکری جوانان و گسترش آرمان‌های ترقی خواهانه بود؛ از سویی دیگر اندیشه‌ورزان آزادیخواهان مشروطه توسعه آموزش و پرورش و تأسیس مدارس را تشویق می‌کردند. در این روزگار مدارس جدید علاوه بر مکان آموزش، سنگر مبارزات علیه کهنه‌پرستی و خودکامگی بود. هرگاه که دشمنان آزادی و ترقی با تجددخواهان میهن‌پرستان به دشمنی و جنگ برمی‌خاستند یکی از سنگرهای مهمی که هدف قرار می‌دادند همان مدارس جدید و پدیده‌های نوین فرهنگی بود. مدرسه جدید نشانی از تجددخواهی و سنت‌شکنی بود (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸: ۱/ ۳۵۰).

واقعیت این است که هدف از تأسیس مدارس علاوه بر گسترش علم و دانش جنبه سیاسی نیز داشت (قاسمی، ۱۳۷۷: ۲۳۵). این تأثیر چنان بود که در جریانات سیاسی نظیر جریان سفارت انگلیس، دانش‌آموزان دارالفنون به سفارت رفته و به کسبه ملحق شدند. تعداد آن‌ها ۳۰ تا ۴۰ نفر بود و برای خود چادر مخصوص علم کرده بودند. پس از انقلاب نیز شاگردان در دفاع از انقلاب و گسترش مدارس نقش مؤثری داشتند و برای دبستان‌ها اعانه جمع‌آوری می‌کردند (کسروی، ۱۳۴۴: ۲۲۰).

در این دوران، نهادهای رسمی آموزشی مانند وزارت علوم، وزارت معارف، سازمان‌ها و جمعیت‌های فرهنگی و مدارس نوبنیاد فراوان تأسیس شد. برای نخستین بار در بسیاری از شهرها اداره فرهنگ تأسیس و آموزش و پرورش دولتی رسماً فعال شد، شمار انجمن‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فزونی یافت. روزنامه‌های متعددی منتشر شد که تعداد آن‌ها را بیش از ۴۰۰ می‌توان تخمین زد. در اعزام محصل به خارج از کشور تحول بزرگ رخ داد و برای نخستین بار ۱۵ نفر از ۳۲۰ نفر از محصلان اعزامی را برای تحصیل در رشته‌های آموزش و پرورش به کشورهای اروپایی اعزام داشتند که از میان آن‌ها برخی از فارغ‌التحصیلان پس از بازگشت به ایران در مصدر کارهای فرهنگی قرار گرفتند و خدماتی نیز انجام دادند (قاسمی، ۱۳۷۷: ۴۱). مسئله آموزش و پرورش در بسیاری از جراید و مجلات مطرح شد و در آموزش و پرورش زنان تحولاتی پیش آمد و برای نخستین بار دختران و زنان توانستند به صورت رسمی در مدارس به تحصیل بپردازند. با چنین اوضاع و احوال خارجی و داخلی در سال‌های اوایل قرن بیستم مدارس نوبنیاد در ایران گسترش یافت (همان).

دوره اقتدار رضاخان پهلوی از اسفند ۱۲۹۹ ش آغاز و در شهریور ۱۳۲۰ شمسی پایان می‌یابد. مقطع مهمی از دیدگاه نوسازی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود. هر چند ایران از اوایل قرن ۱۹م در مسیر فراگرد نوسازی قرار گرفت و برخی از نخبگان قاجاری اقداماتی را جهت افزایش تولدایی‌های نظام حاکم و ایجاد نهادها و مؤسسات جدید سازمان‌دهی کردند اما بیشتر این کوشش‌ها در بخش‌هایی صورت گرفت که یا به ارزش‌های نهفته سنتی نزدیک بود یا حداقل در تعارض و تناقض با ارزش‌ها و ساختارهای سنتی جامعه ایران که مذهب و علایق قومی و قبیله‌ای نقش اساسی را در ایجاد تداوم آن داشتند، نبود. ضمن اینکه اصلاحات دوره قاجار با فراز و نشیب‌ها و معضلات فراوانی همراه بود و امکان تعمیق اصلاحات و ایجاد تحول اساسی در جامعه ایران پدید نیامد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۲۴). اندیشه نوسازی در مرحله دوم مشروطه در ایران مطرح شد که یکی از اندیشه‌های نوسازی در زمینه آموزش و پرورش و جایگزین شدن آموزش نوین به جای آموزش سنتی بود.

حکومت رضاشاه از همان ابتدا برخلاف عادت سنتی حکومت قاجاری در همه امور کشور و از جمله آموزش و پرورش عمومی مستقیماً دخالت می‌کرد. برنامه بلندپروازانه‌ای که در دوران سلطنت رضاشاه برای گسترش آموزش و تغییر نظام تعلیم و تربیت که منحصر به شهرها بود با مشکلاتی از جمله کمبود آموزگاران ورزیده مواجه بود و برای رفع آن

قانون تعلیم و تربیت در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید. در شهریور ۱۳۲۰ تعداد ۳۶ دانشسرا در سطوح مختلف در سراسر کشور وجود داشت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۱۸۷).

قزوین در عرصه آموزشی بعد از مشروطیت به غیر از کوشش‌های ابتدایی میرزا صالح خان کلانتری باغمیشه‌ای ملقب به سالار اکرم که در سال ۱۳۱۹ق/۱۲۷۰ش حاکم قزوین و از بنیان اصلی مدرسه امید (اولین مدرسه تعلیماتی به روش نوین) بود، رشد چشمگیری نداشت؛ مدارس معدودی در قزوین ایجاد شده بود. این مدارس عبارت‌اند از: مدرسه امید، صالحیه، التفاتیه، شیخ‌الاسلام و... اما پس از تأسیس حکومت پهلوی اول اگرچه شورای معارف در مراکز استان‌های کشور از جمله قزوین تشکیل شد ولی برنامه وسیع‌تر برای سازمان‌دهی و توسعه مدارس در ایران و قزوین با همکاری دولت و مجلس در زمینه گسترش و نظام‌مند ساختن آموزش به اجرا درآمد و با تصویب قانون آموزشی جدید مدارس متعددی ایجاد شدند (تعلیم و تربیت، ۱۳۰۴: ۳۰۰؛ ۱۳۰۶: ۴۶۰).

در دوره پهلوی اول تعداد مدارس علمیه از ۲۸۲ در سال ۱۳۰۳ش به ۲۰۶ مدرسه در سال ۱۳۱۹ش و تعداد محصلین آن‌ها از ۵۹۸۴ نفر به ۷۸۴ نفر در سال ۱۳۱۹ش کاهش یافت. از سال ۱۳۰۷ش مدارس خارجی نیز تحت اختیار دولت درآمدند و حتی در سال ۱۳۱۹ش مدارس آمریکایی و انگلیسی برچیده شدند. رشد نظام آموزشی سراسری طی این دوره بی‌نظیر بود. تا سال ۱۳۲۰ش. این نظام آموزشی دارای پنج هزار فارغ‌التحصیل مؤسسات آموزش عالی، ده هزار فارغ‌التحصیل دیپلم، بیست و پنج هزار فارغ‌التحصیل دبیرستان و در نهایت، شصت و پنج هزار فارغ‌التحصیل ابتدایی بود (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۵۷-۵۸). سیاست رضاشاه در تجدید سازمان‌های آموزشی این بود که آن‌ها را کاملاً تحت نظارت دولت قرار دهد و اگرچه آموزشگاه‌های ملی و خصوصی هم باقی ماندند اما از حیث آموزش و پرورش تابع نظر وزارت فرهنگ بودند. بنابراین شرط باقی‌ماندن مدارس ملی، تبعیت آن‌ها از مدارس دولتی و همچنین پیروی از قوانین مربوطه بود. الول ساتن می‌گوید: «ساختمان‌های آموزشگاه ملی باید مطابق نظام‌نامه وزارت فرهنگ به‌طور صحیح باشد و شایستگی آموزگاران و دبیران را نیز وزارت فرهنگ تصدیق می‌کند. برنامه هم که البته همان برنامه رسمی دولتی خواهد بود و هر آموزشگاهی که این دستورها را اجرا نمی‌داشت شاگردانش از شرکت در امتحانات رسمی محروم می‌شدند. فارسی، عربی، تاریخ و جغرافیای ایران جزء مواد اصلی برنامه رسمی بود. از آن گذشته تمام مواد باید به زبان فارسی تدریس می‌شد» (الول ساتن، بی‌تا: ۸۹).

بر همین اساس، در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۱۳ شمسی قوانین و تصویب‌نامه‌هایی درباره آموزش عمومی و اجباری رایگان ابتدایی و دبیرستان و آموزش عالی و همچنین تأسیس شبکه آموزش غیرمذهبی دولت و حتی آموزشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم تربیتی وضع شد. به موجب این قوانین، مدارس از اختیار روحانیون خارج شد و دولت مسئولیت اداره و نظارت کلیه آموزشگاه‌ها از جمله مدرسه‌های خصوصی و بیگانگان و غیره را برعهده گرفت. در سال ۱۳۰۸ شمسی به‌طور کلی در حدود ۵۰ مدرسه خارجی از جمله ۲۵ مدرسه وابسته به هیأت مذهبی آمریکایی در ایران کار می‌کرد. امتحان از دانش‌آموزان مدارس ملی خصوصی در پایان سال‌های ششم ابتدایی و سوم و ششم دبیرستان

توسط وزارت فرهنگ صورت می‌گرفت. در نظام جدید دوازده سال تحصیلی وجود داشت. شش سال اول آن در مدرسه ابتدایی سپری می‌شد. دوره شش‌ساله دبیرستان هم به تقلید از فرانسه از دو سیکل تشکیل می‌شد (امینی، ۱۳۸۲: ۲۸۷).

۲. مدارس قزوین دوره پهلوی و انعکاس آن در هنر معماری معاصر

مدرسه ارامنه در سال ۱۲۸۷ شمسی به‌عنوان اولین مدرسه‌های نوین قزوین تأسیس شد. برحسب مندرجات آمار وزارت معارف در سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ شمسی مختلط و ابتدایی و متوسطه و مواد درسی آنجا عبارت بود از: زبان ارمنی، حساب، اخلاق، علم‌الاشیاء، رسم فنی برای پسران و خیاطی برای دختران، مشق خط، تاریخ، جغرافیا، سرود، نقاشی و کارهای دستی. مدرسه ارامنه به دستور وزارت معارف در سال ۱۳۰۶ تعطیل شد (دبیرسیاکی و صفاری، ۱۳۸۰: ۵۴/۱). در سال ۱۳۱۳ این مدرسه به‌نام رازی دوباره بازگشایی شد اما با تعطیلی آن در ۱۳۲۲ش، بار دیگر به نام رفیع بازگشایی می‌شود (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۱۱۵۶/۲).

اولین اثری که از نوسازی شیوه آموزشی در قزوین به چشم می‌آید، سندی است از عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خودش که در آن بیان می‌دارد؛ چون سردار سپه برای اینکه مقدار سابقه و مواد قرار داد معلم‌های انگلیسی را بداند، عین‌السلطنه در جواب او چنین می‌نویسد، این گزارش سندی بسیار مهم برای شناخت نوع آموزش و معلمان در این دوره است: «مدت کنترات دو سال و سه ماه که این سه ماه ایام مرخصی آن‌هاست. صاحب‌منصبان پنج درجه هستند: درجه اول ماهی نهصد تومان که فقط هدل سن - منظور پنجاه‌سالگی - امروز از درجه اول مستخدم است. ۲- هفتصد تومان ۳- ششصد تومان ۴- پانصد و یک تومان ۵- چهارصد تومان. به هر یک مقرر یک ماه برای تهیه لباس و ملزومات منزل و غیره مقدمتاً و انعاماً داده می‌شود... عجالاً می‌گفت چهارده نفر صاحب‌منصب وارد شده و مستخدم است تتمه متدرجاً از بغداد خواهد آمد. اول طهران رفته کنترات را امضا می‌کنند، بعد قزوین می‌آیند اما تمام صاحب‌منصبان نخبه و قابل هستند. هر کس را روانه نمی‌کنند» (سالور، ۱۳۷۹: ۸/۶۰۰۳-۶۰۰۴)؛ اما طی دورانی که رضاشاه به سلطنت رسید، معلم‌ها از داخل تأمین می‌شدند.

به‌عنوان نمونه روسایی که طی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ به قزوین آمدند؛ بنابه نوشته کتاب مینودر از قرار زیرند: شاهزاده یمین‌الدوله (۱۲۹۹) سید مرتضی وثوق‌الاسلام (۱۳۰۰) سید عبدالرحمن قوامیان (۱۳۰۱) سید مرتضی وثوق‌الاسلام (۱۳۰۱) سید عبدالرحمن قوامیان (۱۳۰۲) مهدی ایرانی (۱۳۰۲) ادیب سلطانی (۱۳۰۸) احمد سره (۱۳۰۸) محمدتقی شهنواز (۱۳۰۸) ابوالحسن اشعری قمی (۱۳۰۹-۱۳۱۲) موسی نثری (۱۳۱۲) میرزا تقی رهبر (۱۳۱۲) اسدالله فخیم (۱۳۱۳-۱۳۱۵) محمدباقر جدلی (۱۳۱۵) علی اکبر صفاری (۱۳۱۵) رضا جعفری (۱۳۱۵) حسینعلی اکبرنیا (۱۳۱۸-۱۳۲۰). (گلریز، ۱۳۶۸: ۱/۶۲۳). در این میان، براساس سندهای مندرج در روزنامه خاطرات عین‌السلطنه برخی از معلم‌ها با پیروی از آموزش‌های جدید به کارهای جدید در مدارس که مرتبط با

پرورش جسم می‌شد، می‌پرداختند؛ به‌عنوان مثال؛ او از محمدعلی خان نام می‌برد که ژیمناستیکی در اداره درست می‌کند که بچه‌ها به آموزش آن بپردازند و خودشان هم ورزش می‌کنند (سالور، ۱۳۷۹: ۸/۶۲۵۹).

براساس نوشته مجله تعلیم و تربیت از وضعیت آموزش در سال تحصیلی ۱۳۰۵ مدارس موجود در قزوین از قرار زیرند: مدارس متوسطه سه ساله متوسطه یک مدرسه و ۲۳ شاگرد؛ مدارس ۶ ساله ابتدایی ۱ مدرسه و ۱۱۱ شاگرد؛ مدارس ۴ ساله ابتدایی ۲ مدرسه و ۱۲۱ شاگرد (مجله تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۰۵: ۵۴۵-۵۴۸)؛ صورت تعمیرات و نواقص اثاثیه مدارس قزوین براساس صورت‌های واصله از قزوین ۲۵۰ تومان اعلام شده است که این خرج در عمارت اداره و مدرسه خرج شده است (مجله تعلیم و تربیت، شماره ۱۱، ۱۳۰۶: ۶۰۵).

در سال ۱۳۱۰ شمسی یکی از مشکلات معارفی قزوین نداشتن دوره متوسطه بود، که عده‌ای از معتمدین با نوشتن نامه‌ای تحت عنوان «عریضه سرگشاده» از وزیر معارف وقت تقاضای تشکیل کلاس دهم را داشته‌اند و از وثوق‌الاسلام نماینده قزوین در مجلس شورای ملی می‌خواهند که این اقدام را انجام دهد (روزنامه بازپرس - مورخه ۱۳۱۰/۱۰/۲۲ شمسی شماره ۹۸).

براساس نوشته مجله تعلیم و تربیت، از اول سال تحصیلی ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ در شهر قزوین دبیرستان شبانه تأسیس گردیده است (مجله تعلیم و تربیت، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۱۷: ۵۷۴)؛ این درحالیست که در روزنامه بازپرس آمده است، پیش از سال ۱۳۱۶ نیز دبستان اکابر شبانه شاهپور از ۱۵ شهریور ساعت ۷ بعدازظهر مفتوح و داوطلبان می‌توانند جهت ثبت اسامی خود حضور به‌هم رسانند (بازپرس، شماره ۴۵، ۱۳۱۴/۶/۱۶).

در همین روزنامه، درباره افتتاح دبیرستان پسرانه و دخترانه در سال ۱۳۱۴ ش آمده است: «پس از خاتمه تعطیل تابستان دو روز است که کلیه دبیرستان‌های ذکور و اناث افتتاح و شروع به کار کرده‌اند. از طرف اولیای امور دبستان‌ها اسامی اطفال و داوطلبان ثبت و تاکنون عده زیادی به‌وسیله اولیای خود به دبستان معرفی شده‌اند. امتحانات تجدیدی نیز چندی است در دبیرستان پهلوی و شاپور و سایر دبستان‌ها ادامه دارد که هرچه زودتر خاتمه پیدا کند تا محصلین به کلاس مربوطه رفته و شروع به کار کنند (بازپرس، شماره ۴۶، ۱۳۱۴/۶/۱۸).

در قزوین ۶ مدرسه دولتی و ملی وجود داشت؛ به این ترتیب دبستان و دبیرستان نه کلاسه پهلوی، دبیرستان شاهپور، دبستان دخترانه شاهدخت، دبستان شش کلاسه ادب، دبستان شش کلاسه ملی فرهنگ، دبستان ملی حمداله مستوفی. شاگردان کلاس‌های شش مدارس دولتی خیلی کم بودند. دبیرستان دخترانه نبود و مردم با تحصیل آن‌ها مخالف بودند، پسران هم که همین قدری خواندن و نوشتن یاد می‌گرفتند با پدران‌شان در کارهای رعیتی یا نجاری یا خیاطی و غیره کمک می‌کردند و یا به شاگردی در یک دکان کار می‌کردند و ... (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۱۶). تعدادی از مدارس قزوین با روش تعلیماتی نوین تا شهریور ۱۳۲۰ شمسی عبارت‌اند از:

۲.۱. دبیرستان پهلوی

در زمان رضاشاه، دبیرستان اسلامیّه - واقع در کوچه صرافا- به پهلوی تغییر نام می‌دهد و با ضمیمه‌شدن مدرسه متوسط شماره ۱ به آن دبیرستان و دبستان پهلوی تأسیس می‌شود. در این دبیرستان، امتحان نهایی سال ششم ابتدایی تمام مدارس و امتحان نهایی سال سوم متوسطه برگزار می‌شد (دبیرسیاقی و صفاری، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۰).

۲.۲. دبیرستان ناموس

این دبیرستان اولین دبیرستانی است که به‌طور مستقل در قزوین در دوره رضاشاه تأسیس شده است و روش تعلیم و تربیت نوین در آن جریان داشته است. مدرسه ناموس دخترانه در سال ۱۳۰۱ شمسی به هزینه مرحوم سید مرتضی حاج سیدجوادى ملقب به وثوق‌الاسلام که ریاست معارف وقت قزوین را داشت، در محله درب کوشک تأسیس گردید. محل دبستان اما اجاره‌ای بوده است. اولین مدیر این دبستان بر طبق گزارش سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ خانم کوچک صدیق فرزند مرحوم میرزا صادق‌خان بوده است که تا سال ۱۳۲۱ این سمت را داشته است. این دبستان در سال مذکور شش کلاس و دارای یکصد و پنجاه و پنج شاگرد بوده است (گلریز، ۱۳۶۸: ۱/ ۵۸۴). از سندی که در آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران به‌دست آمده است به موضوع تخصیص بودجه در سال ۱۳۰۶ برای حمایت از مدرسه نسوان پرداخته است. متن این سند چنین است که در این سال تقاضای تخصیص مبلغ ۵۷۰ تومان از محل عوائد شیرکچیان به مدرسه ناموس شده بود. در جواب چنین آمده است که این مدرسه در آن زمان ماهیانه ۴۶ تومان از محل بودجه عوارض به‌عنوان کمک خرج دریافت می‌دارد و اگر مبلغ ۵۷ تومان را به مدرسه مذکور تخصیص دهند ماهیانه ۱۰۳ تومان که مطابق بودجه ریز مدرسه است می‌توان مدرسه مزبور را دولتی و مجانی می‌شود. در سند خواسته شده که این امر برای مجانی‌شدن مدرسه انجام دهند به ضمیمه ریز مخارج ماهیانه مدرسه نیز فرستاده شده است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۵۸۷۶-۲۹۷).

همچنین براساس سندی از سال ۱۳۰۷ چنین آمده است که از این رو که پیش از دولتی‌شدن مدرسه ناموس عوایدی ۷۴۸ تومان شهریه دریافت شده و به‌عنوان ودیعه در مالیه گذاشته شده دستور داده شود که این مبلغ برای خرید اثاثیه صرف شود که در جواب این نامه آمده است که مبلغ مزبور برای مدرسه ناموس اثاثیه خریده شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۸۸۷-۲۹۷). این موضوع نشان می‌دهد که این مدرسه از سال ۱۳۰۷ دولتی بوده است.

۲.۳. مدرسه سه کلاسه متوسطه شماره ۱

این مدرسه نیز با روش تعلیماتی نوین در سال ۱۳۰۴ شمسی و در زمان ریاست فرهنگ مهدی ایرانی از دبستان‌های امید و پهلوی تفکیک و مدرسه سه کلاسه متوسطه در محل مدرسه روس‌ها به مدیریت مرحوم نصرت‌الله معینی تأسیس شد و اثاثه مدرسه روس‌ها نیز به تصرف اداره معارف درآمد. این مدرسه متوسطه شماره ۱ در آبان سال

۱۳۰۶ هنگام آمدن وزیر فرهنگ وقت و رئیس بازرسی وزارت فرهنگ به قزوین ضمیمه دبستان پهلوی و مجموع به مدرسه متوسطه پهلوی موسوم شد (گلریز، ۱۳۶۸: ۱/ ۵۸۴).

۲۴. مدرسه حمدالله مستوفی

این مدرسه با روش تعلیم و تربیتی جدید دبستانی پسرانه بود که در سال ۱۳۰۵ شمسی تأسیس شد. محل آن اجاری و چهار کلاسه بوده است و از محل کمک هزینه معارف ماهانه ششصد و هشتاد ریال اعانه دریافت می‌کرد و نود و یک دانش‌آموز داشته است. محل دبستان در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ شمسی در خیابان سپه محله حلاجان کوچه تقوی قرار داشته و سپس به خیابان تبریز کوچه سردار مدرسه سردار منتقل شد. مدیریت دبستان را در هنگام اقامت در محله حلاجان، خانم اقدس شمس و از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ خانم زهرا حاج سید جوادی برعهده داشته است. تعداد دانش‌آموزان در این زمان یکصد و چهل و شش تن بوده است. خانم صفورا معزی مدیریت مدرسه را پس از انتقال به مدرسه سردار از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۲۹ با دویست و پنج دانش‌آموز برعهده داشته است (دبیرسیاقی و صفاری، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۵ و آمار تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ معارف).

۲۵. دبستان دیانت

این دبستان در سال ۱۳۰۶ شمسی تأسیس شده است. مؤسس آن به روایتی مرحوم حاج سید محمد جزمه‌ای از روحانیان به‌نام شهر و به روایت دیگر روحانی دیگری به‌نام مرحوم حاج آقا خویینی بوده است. محل مدرسه ابتدا در کوچه پنجه‌علی منزل ساربان‌ها قرار داشت و در آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۳۱۲ به محله شیرو خورشید یعنی جنوب غربی محله سکه شریحان منتقل شده است. آمار سال تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ نشان می‌دهد که دبستان دیانت ملی و محل آن در محله سکه شریحان و اجاری و دارای شش کلاس و یکصد و چهل دانش‌آموز بوده و ماهانه حدود هفتصد ریال را از محل شهریه اطفال درآمد و هزار و سیصد ریال هزینه داشت که کسری آن را از محل کمکهای اداره معارف تأمین می‌شد. مدیریت مدرسه با آقای میرزا ابوتراب آصفی فرزند میرزا مهدی بوده است تا سال ۱۳۳۴ شمسی و پس از آن مدیران دیگر در محل‌های دیگر مدرسه را اداره کرده‌اند (دبیرسیاقی و صفاری، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۴ و آمار تحصیلی ۱۳۱۳-۱۳۱۴ معارف).



تصویر ۱. مدرسه دیانت. شهر قزوین. مربوط به دوره پهلوی

این مدرسه را برحسب تزئینات و سبک معماری می‌توان آن را به دوره‌ی قاجار منسوب نمود. ورودی بنا به شکل طاق‌نمایی آجرکاری و گچ‌بری شده و هشتی ورودی نیز عبارت‌اند از: چهارطاقی گنبدواری است که به راهرویی راه پیدا می‌کند که به حیاط مربع شکل منتهی می‌شود و چند اتاق در اضلاع مختلف آن قرار گرفته‌اند. بنای اصلی مدرسه دارای ۱۲ اتاق تودرتوست که دو اتاق در میان این اتاق‌ها از نظر زیبایی بسیار شاخص هستند. زیباترین اتاق‌های این مدرسه دو اتاق مستطیل شکل است که در اضلاع شمالی و غربی حیاط قرار گرفته و در نمای بیرونی دارای ارسی‌های بسیار زیبایی است که با نقوش اسلیمی و هندسی تزئین شده‌اند، پوشش سقف اتاق قاب‌بندی و طاقچه‌ها با گچ‌بری رنگی دیده می‌شود.

۲۶. مدرسه دخترانه شاپور (مدرسه مبارکه نسوان)

لسان سپهر از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰ حاکم قزوین بود. او در سال ۱۳۰۷ درصد ایجاد مدرسه دخترانه برآمد اما چون اعتبار برای این کار در اختیار نداشت، هزینه آن را برعهدهٔ نانوایان شهر می‌گذارد. از صورت ریز هزینه‌های انجام شده برای این مدرسه برمی‌آید که گذشته از آموزش خواندن و نوشتن و درس‌هایی چون جغرافیا به کمک نقشه اقدام به دایرکردن کارگاه‌های نخریسی، خیاطی جوراب‌بافی، قالیبافی نیز شده بود و چهار دار قالی با نورد تا آذرماه سال تأسیس در کارگاه مخصوص دایر ساخته و به استخدام معلم و استادکار با ماهانه سی تومان حقوق برای آموزش جوراب‌بافی از تهران پرداخته شده بود (ورجاوند، ۱۳۷۷: ۳ / ۷۱۲-۱۷۹۶).

۲۷. دبستان فردوسی

این دبستان مختلط که با روش تعلیماتی نوین دایر شد؛ در سال ۱۳۱۳ ساخته و محل آن در کوچه بلاغی مدرسه حیدریه بوده است. این مدرسه دارای چهار کلاس و یکصد و سه شاگرد بوده است. در سال تحصیلی ۱۳۱۵ کلاس پنجم در آن دبستان افتتاح می‌شود و تعداد دانش‌آموزان آن به یکصد و پنجاه و چهار نفر می‌رسید. مدیریت دبستان را در آغاز میرزا جوادخان عاملی فرزند آقا شیخ محمود داشته است. در سال ۱۳۱۴ شمسی خانم ساریه فخریه به این سمت منصوب می‌گردد، در سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ خانم اقدس شمس عهده‌دار مدیریت آنجا می‌شود و خانم فرخ داوری رضوی از سال ۱۳۱۸-۱۳۲۷ شمسی مدیریت آنجا را برعهده می‌گیرد (دبیرسیاقی و صفاری، ۱۳۸۰: ۱/۷۹).

۲۸. دبستان هفده دی

این دبستان برحسب آمار سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ در محلی اجاری واقع در محله درب کوشک کوچه آب‌انبار اسماعیل با چهار کلاس و یکصد و هفت دانش‌آموز و پیش از آن دبستانی در همین محل بوده با نام پرورش فعالیت

داشته است. اولین مدیر دبستان هفده دی، خانم زینب صدری بوده و پس از وی در سال ۱۳۱۷ خانم سرور حقایقی عهده‌دار مدیریت آنجا شده است (همان: ۱/ ۷۹ و ۸۰).

۲۹. مدرسه پانزده بهمن

دبستان ۱۵ بهمن همان مدرسه ادب بوده است، از سال ۱۳۱۵ شمسی به این نام ابتدا در محله درب کوشک جنب بقعه حلیمه خاتون بوده است و بعد به کوچه شیشه‌گر منتقل شد؛ سپس به خیابان پهلوی (مدرسه التفاتیه) و بعد به محله سکه شریحان کوچه شعبان‌کردی، پس از آن به خیابان عبیدزاکان کوچه درودی بعد به خیابان نادری و آنگاه به خیابان فردوسی کوی امیر رفته است. اولین مدیر این مدرسه مرحوم صادق کوچک‌پور است که تا سال ۱۳۲۰ شمسی این سمت را داشته است (همان: ۱/ ۸۰).

۲۱۰. دبستان مختلط شمس

این مدرسه مختلط که بیستمین مدرسه با روش تعلیماتی نوین باید به‌شمار می‌آید، در آبان ۱۳۱۳ شمسی تأسیس شده است. چهار کلاس و یکصد و دو دانش‌آموز داشته و محل آن در کوچه سکه شریحان بوده در سال تحصیلی ۱۳۱۶-۱۳۱۵ دبستان پنج کلاس و دویست و بیست و دو دانش‌آموز داشته است.

اولین مدیر آن خانم منصوره فخیم فرزند میرزا علی‌اکبرخان و پس از وی خانم ساریه فخرائی است و سپس در سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۳۱۹ شمسی خانم فاطمه سعیدی عهده‌دار مدیریت آنجا شد و تا سال ۱۳۲۹ در این سمت باقی ماند و در این سال دبستان از صورت مختلط خارج می‌شود و منحصرأً دخترانه گردید (همان).

۲۱۱. دبستان مختلط شماره ۱

این دبستان چهار کلاسه که بیست و یکمین مدرسه با روش تعلیماتی نوین است در ۱۳۱۶ شمسی در منزل اجاره‌ای واقع در خیابان سپه آغاز به‌کار می‌کند. در ابتدا دارای یکصد و بیست و دو دانش‌آموز بوده است و خانم زهرا حاج سید جوادی مدیریت آن را برعهده داشته است (همان).

۲۱۲. دبستان شهرداری

این دبستان بیست و دومین مدرسه با روش تعلیماتی نوین است در سال ۱۳۱۶ شمسی در محل خیابان تهران قدیم کوچه سنگ بست (طاق پهلول) با چهار کلاس و نود و چهار دانش‌آموز مختلط در مکانی اجاری آغاز به‌کار می‌کند. مدیریت آن را خانم زهرا حاج سیدجوادی عهده‌دار بوده است (همان: ۸۱).

۲۱۳. دبیرستان شاهدخت

این دبیرستان اولین دبیرستان دخترانه و بیست و سومین مدرسه با روش تعلیماتی جدید است که در سال ۱۳۱۶ شمسی زمان ریاست فرهنگ رضا جعفری در محل دبیرستان پهلوی (اسلامیه سابق) کوچه صرافان تأسیس شد. این

مدرسه با سه کلاس دوره اول متوسطه و پنجاه و هشت دانش‌آموز و سپس کلاس چهارم به آن افزوده شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۸-۱۳۱۹ دانشسرای مقدماتی دختران در همین محل کار خود را آغاز می‌کند. مدیریت دبیرستان شاهدخت در آغاز با مرحوم غلامرضاخان شمس بود که هم‌زمان با مدیریت دبیرستان شاهپور (امید سابق) این دبیرستان را نیز اداره می‌کرد. بعد خانم یآوری عهده‌دار مدیریت آن می‌شد و سپس مدیریت دانشسرای مقدماتی را برعهده گرفت (همان).



تصویر ۲. دبیرستان شاهدخت قزوین. توحید فعلی. مربوط به دوره پهلوی

۲۱۴. دانشسرای مقدماتی دختران

این دانشسرا در سال ۱۳۱۸ شمسی و زمان ریاست فرهنگ آقای رضا جعفری تأسیس شده است و بیست و چهارمین مدرسه با روش تعلیماتی نوین است. ابتدا ضمیمه دبیرستان شاهدخت بوده و در سال اول دوازده شاگرد داشته است. مدیریت آنجا را نخست مرحوم غلامرضاخان شمس و سپس خانم یآوری و بعد خانم عزیزالملوک شیخ‌الاسلامی داشته‌اند. در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ آقای اسماعیل توفیقی مدیریت آنجا را برعهده گرفت. دانشسرا هیجده شاگرد، هفت شاگرد در چهارم علمی و یازده شاگرد در پنجم علمی داشته است (همان).

۲۱۵. تعلیمات اکابر

تعلیمات اکابر که بعدها به آن عنوان آموزش سالمندان یا آموزش بزرگسالان یا کلاس‌های سوادآموزی و کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی داده شد، در قزوین نیز تأسیس شد. در قزوین طبق آمار وزارت معارف در سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۶ شمسی در مدرسه امید (شاهپور بعدی) کلاس‌های اکابر مردانه دایر بوده است. در آمار سال ۱۳۰۶ سی و هشت دانش‌آموز و دو آموزگار داشته است.



تصویر ۳. تصاویر از معماری مدرسه امید در شهر قزوین. مربوط به دوره پهلوی

بررسی کلی سبک معماری این مدرسه حاکی از تأثیر معماری رایج در غرب در معماری مدارس در این شهر تاریخی است.

از نمونه قراردادی که برای تعلیم در کلاس‌های اکابر بین اداره معارف قزوین و مرحوم سید محمود خیری منعقد گردیده، معلوم می‌شود که در سال ۱۳۰۸ شمسی نیز کلاس اکابر این شهر دایر بوده است. آمار تحصیلی سال ۱۳۱۳-۱۳۱۴ شمسی نشان می‌دهد که در کلاس اکابر شبانه شاهپور مرحوم محمدتقی نوروزی فرزند میرزا عبدالغنی با حقوق ماهانه شصت ریال عهده‌دار تدریس ادبیات و ریاضیات و مرحوم میرزا عبدالباقی صالحی فرزند آقا میرزا محمد علی با حقوق ماهیانه پنجاه ریال عهده‌دار تدریس دیگر مواد کلاس‌های اول و دوم بوده‌اند و مرحوم حسن کانتوری فرزند کربلائی یوسف نیز با حقوق ماهیانه بیست ریال خدمات کلاس‌ها را انجام می‌داد. بر طبق آمار سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ شمسی در شهر قزوین در هشت دبستان کلاس‌های اکابر دایر بوده است؛ بدین شرح:

- ۱- اکابر شماره ۱ به مدیریت محمدحسن افراشته با ۱۸۰ شاگرد؛
- ۲- اکابر شماره ۲ به مدیریت صادق کوچکپور با ۱۶۰ شاگرد؛
- ۳- اکابر شماره ۳ به مدیریت ابوالقاسم دانش با ۸۶ شاگرد؛
- ۴- اکابر شماره ۵ به مدیریت کمال بکتاشی با ۱۴۱ شاگرد در محل دبستان پهلوی؛
- ۵- اکابر شماره ۶ به مدیریت سیدمحمود خیری با ۱۴۵ شاگرد؛
- ۶- اکابر شماره ۷ به مدیریت مرتضی فراهودی با ۱۰۴ شاگرد در محل دبستان فرهنگ؛
- ۷- اکابر شماره ۸ به مدیریت مرتضی حاج سید جوادی با ۱۲۰ شاگرد در محل دبستان حمدلله مستوفی؛
- ۸- اکابر شماره ۱۸ به مدیریت محمدتقی نوروزی با ۱۶۰ شاگرد در محل دبستان شاهپور؛

ضمناً اکابرهای شماره ۹ تا ۱۴ و ۱۶ در توابع استان قزوین دایر بوده است. دبیرستان ملی سه کلاسه‌ای نیز در محل دبیرستان پهلوی واقع در کوچه صرافان محله درب کوشک بر طبق همان آمار تحصیلی سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ دایر

بوده است با ۶۷ دانش‌آموز و دبیرانی چون اسماعیل سررشته‌داری، عباس بهفروز، حسین بحرانی، محمد پژوهشی. هزینه آن هم از محل شهریه دانش‌آموزان تأمین می‌شد (همان: ۸۲-۸۳).

۲.۱۶ دبستان دوشیزگان

این آموزشگاه در سال ۱۲۹۴ خورشیدی تأسیس شد و در کوی درب کوشک، خیابان عبیدالله و کوچه صرافان است و محل آموزشگاه دولتی و ملکی است و آموزشگاه رسماً شش‌کلاسه می‌باشد و کلاس‌های مکرر ندارد. از این‌رو که دولتی است، اعانه نمی‌گیرد و همچنین دارای کتابخانه نیست و زبان بیگانه تدریس نمی‌شود. دارای بنگاه ورزشی نظیر تیم فوتبال و تنیس و والیبال نیز نبود و دارای کودکانی نیز به ضمیمه نمی‌باشد. این مدرسه در دوره سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۸ در دوره ابتدایی از سال دوم دارای دانش‌آموزان صرفاً دختر بود و در کلاس دوم با اینکه در ابتدای تحصیل ۳۰ دانش‌آموز وجود داشته اما در دوره امتحان ۲۶ نفر امتحان داده‌اند که ۸ نفر تجدید شدند. در سال سوم نیز ۳۱ نفر در آغاز تحصیل بودند که ۳۱ نفر امتحان دادند که ۶ نفر تجدید شدند. در سال چهارم نیز ۳۴ نفر در آغاز تحصیل بودند که ۲۷ نفر امتحان دادند که ۱۳ نفر تجدید شدند. در سال پنجم نیز ۲۲ نفر در آغاز تحصیل بودند که ۲۲ نفر امتحان دادند که ۱۱ نفر تجدید شدند. در سال سوم نیز ۲۴ نفر در آغاز تحصیل بودند که ۲۳ نفر امتحان دادند که همه قبول شدند. اسامی کارکنان و رتبه آن‌ها در این مدرسه به شرح زیر است: ده آموزگار و دو فراش. دروسی که این معلمان در این دبستان تدریس به‌طور ویژه برای دختران می‌کردند، از قرار زیر است: موسیقی و سرود، خیاطی و ورزش و تعلیم خط. اکثر معلم‌ها در این مدرسه ابتدایی موفق به گرفتن دیپلم نیز نشده‌اند و اکثراً تا دوره اول متوسطه را گذرانده‌اند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۱۷۹۶-۲۹۷).

۳. کیفیت آموزش مدارس قزوین

بررسی کیفیت آموزشی در دوره بین تأسیس اداره معارف در قزوین و سقوط رضاشاه به‌واسطه کمبود اسناد و مدارک مشکل می‌نماید. اما آنچه از مصاحبه با شنیده‌های ناظران و قزوین‌شناسان برداشت می‌شود؛ هرچه از تأسیس اداره معارف قزوین می‌گذشت، کیفیت آموزشی رو به بهبود می‌گذاشت؛ زیرا با ایجاد ساختار آموزش دولتی و متمرکز شدن نهادها، در قزوین نیز به مانند سایر شهرها مدارس دیگر همچون جزیره‌های مستقل و وامانده از نظام نوین نبودند و از یک مرکز واحد بر آن‌ها نظارت و بازرسی صورت می‌گرفت که این امر پس از تصویب مدارس ملی ابتدایی و متوسطه، به‌صورت مدون درآمد.

کوچک‌پور در خاطراتش از اوضاع اقتصادی ضعیف اولیاء دانش‌آموزان می‌نویسد: «عائله‌مند، کم‌درآمد و اکثراً کارگر بودند. در زمان ورودش به قزوین مدارس غیردولتی بود... طی ده سال حضور در قزوین تلاش‌های زیادی در جهت برخورداری دانش‌آموزان از امکانات دولتی صورت گرفته است. وی در خاطراتش می‌نویسد: «در طول خدمت ده ساله در فرهنگ قزوین یک مدال درجه دو علمی و یک مدال درجه یک علمی گرفتم» (کوچک‌پور ۱۳۶۹: ۱۲۱-۱۱۷).

کوچک‌پور برای اصلاحات آموزشی و مبارزه با اداره فرهنگ در دولتی کردن مدارس قزوین از جمله مدرسه حمداله مستوفی حدود پانصد امضاء تهیه و از مسئولین تقاضا کرده بود... در پی اعتراضات مبنی بر تأمین حقوق دبستان حمداله مستوفی از طرف دولت و پیشنهاد در افزایش حقوق معلمین رئیس فرهنگ بنام اشعری، که اهل قم و معمم بود، به مرکز احضار و رهبری به جای او رئیس فرهنگ قزوین شد (۱۳۱۰ش). (همان: ۱۱۸-۱۱۷).

اسامی رؤسای معارف (فرهنگ و اوقاف قزوین) در دوره پهلوی اول از آغاز تأسیس (گلریز، ۱۳۳۸: ۱/ ۷۹۹).

۱. حاج شیخ اکبر ۱۲۹۴ شمسی

۲. شیخ حسن رانکوهی (فداکار) ۱۲۹۴ شمسی

۳. شاهزاده دولتشاهی (یمین الدوله) ۱۲۹۶ شمسی

۴. سید مرتضی وثوق الاسلام ۱۳۰۰ شمسی

۵. سید عبدالرحمان قوامیان ۱۳۰۱ شمسی

۶. سید مرتضی وثوق الاسلام ۱۳۰۱ شمسی

۷. سید عبدالرحمان قوامیان ۱۳۰۱ شمسی

۸. مهدی ایرانی ۱۳۰۲ شمسی

۹. ادیب سلطانی ۱۳۰۸ - ۱۳۰۶ شمسی

با تأسیس اداره معارف و اوقاف قزوین، لزوم داشتن مدرک ششم ابتدایی برای تدریس، برگزاری امتحانات منظم در مدارس و صدور کارنامه رواج یافت. همچنین آموزش دختران که قبل از تأسیس اداره معارف به سبب بافت سنتی و مذهبی قزوین و فقدان امکانات و شرایط لازم برای تحصیل فراهم نبود و کوچک‌پور نیز در کتاب خاطراتش در مأموریت به قزوین از نبود دبیرستان دخترانه به واسطه مخالفت مردم با تحصیل آن‌ها گزارش می‌دهد (کوچک‌پور ۱۳۶۹: ۱۱۷)؛ لسان سپهر حاکم قزوین از ۱۳۰۶ش الی ۱۳۱۰ش در سال ۱۳۰۷ش درصدد ایجاد مدرسه دخترانه (مدسه دخترانه شاهپور یا مدرسه مبارکه نسوان) برمی‌آید اما به واسطه مشکلات اقتصادی دوامی نیافت (گلریز ۱۳۳۸: ۱۷۱۲ - ۱۷۹۶). اگرچه مردم این دیار پایبندی بسیار به حفظ آداب و سنن و رسوم دیرین خود داشته‌اند و با هر پدیده نو دیر آشتی و دیر جوشند ولی در ردیف شهرهای مهم کشور به جز پایتخت بودند که از صد سال پیش اقدام با تأسیس مدارس جدید با روش آموزش نوین کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

نوسازی در نظام آموزشی یکی از پر دامنه‌ترین اقداماتی بود که در چارچوب سیاست‌های حکومت پهلوی در ایران به اجرا گذاشته شد. آموزش و نهاد آموزشی همسو با سایر نهادهای فرهنگی - اداری در مقطع زمانی ۱۳۲۰ -

۱۲۹۹ش در راستای تشکیل دولت مطلقه مدرن دچار تغییر و تحولات جدی گردید. این تحولات در ابعاد کمی، انسانی و کیفی قابل توجه است. با متمرکز شدن سازمان‌های فرهنگی و آموزشی در این دوره حکومت رضاشاه به تنها عامل سیاست‌گذار تبدیل شد؛ در واقع، اساس سیاست‌های آموزشی دولت در دوره رضاشاه بر سه خط مشی اصلی یعنی تجدد، تمرکزگرایی و ملی‌گرایی استوار بود.

با بررسی نظام آموزشی قزوین در مقطع زمانی ۱۳۲۰ - ۱۲۹۹ش. زمینه گسترش و نظام‌مند ساختن آموزش به اجرا درآمد. با تصویب قانون آموزشی جدید، مدارس متعددی ایجاد شدند؛ چراکه رضاشاه از جمله عوامل تأثیرگذار در پیشرفت کشور و فاصله گرفتن از جامعه سنتی را در آموزش جدید دید و سعی کرد با ارائه آموزش جدید در مدارس و توجه زیاد به این امر در مقابل تضعیف متولیان آموزش سنتی در جهت هرچه بیشتر به سبک اروپاییان در آوردن کشور گامی بس بزرگ بردارد. لذا در قزوین نیز مانند دیگر شهرهای کشور تغییرات در نظام آموزشی و تأسیس مدارس جدید قابل توجه بود؛ البته گسترش کمی آموزش و پرورش در قزوین با توجه به سیاست‌های کلان آموزشی دوره رضاشاه و نیز تربیت افراد همسو با سیاست‌ها و اندیشه‌های حکومت پهلوی اول اجتناب‌ناپذیر بود اما با توجه به گزارش اسناد، بافت سنتی جامعه، فراهم نبودن امکانات لازم از جمله بودجه کافی و کادر آموزشی از موانع عمده این تحول فرهنگی بودند. پیامد شتاب‌زده تحول نظامی آموزشی بروز دوگانگی در ظاهر و باطن گردید؛ چراکه این تغییر با بافت سنتی سنخیت نداشت.

آنچه از بررسی نهاد آموزشی در این بازه زمانی به دست می‌آید این است که آموزش و پرورش نوین در مدارس قزوین باعث گسترش زبان و ادبیات فارسی و ترویج ارزش‌ها و افکار تجددگرایانه و نمادهای ملی شد اما از این نظام آموزشی تمامی طبقات و اقشار به یکسان بهره‌مند نشدند؛ به علاوه این نظام به دنبال سیاست‌های پهلوی در تقلید از جوامع غربی از سوی گروه‌های سنتی به‌ویژه روحانیون به‌عنوان پدیده‌ای کفرآمیز تلقی می‌شد. بنابراین نظام آموزشی جدید گرچه از یک‌سو به یکسان‌سازی اجتماعی و فرهنگی در میان برخی از اقشار شهری قزوین کمک کرد ولی به نوبه خود زمینه‌های تشدید شکاف‌ها و تعارضات اجتماعی و فرهنگی را نیز به وجود آورد که اکثر مردم قزوین به خاطر مقید بودن به اعتقادات مذهبی در برابر این نظام جدید تقلیدی واکنش نشان دادند. با این وجود، نظام آموزشی شکل گرفته در دوره رضاشاه با تغییرات نسبی مداوم یافت. حضور روحانیون، زنان با پوشش مناسب از پیامدهای نوسازی نظام آموزشی شد. سرانجام سخن اینکه در مقطع مورد بررسی، آموزش و پرورش در قزوین از نظر کمی و تا حدودی کیفی نسبت به گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشت و این پیشرفت در توسعه و آبادانی این شهر که گذرگاه و محل اتصال شهرهای مهم کشور بوده مؤثر بوده و سبب جذب گردشگران زیادی به این منطقه شده است. این تحولات در راستای مدرسه‌سازی مقارن با ورود مظاهر فرهنگی غرب در معماری مراکز آموزشی این دوره در شهر قزوین مشهود است.

منابع و مأخذ:

کتابها

- آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۴). از سیاست تا فرهنگ، سیاست‌های فرهنگی دولت ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰) تهران: سروش.
- الول ساتن، ال.پی. (بی‌تا). رضاشاه کبیر یا ایران نو، ترجمه: عبدالعزیز صبوری، تهران: انتشارات تابش.
- امینی، علیرضا. (۱۳۸۲). تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر قومس.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۷۸). اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، تهران: انتشارات اسناد ملی ایران.
- خلیلی‌خو، محمدرضا. (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه، تهران: جهاد دانشگاهی.
- دبیرسیاقتی، محمد و صفاری، ابراهیم. (۱۳۸۰). تاریخچه فرهنگ و مدارس سرزمین قزوین بر مبنای تعلیمات نوین. دوره ۱۲۸۱ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، تهران: حدیث امروز.
- دلفانی، محمود. (۱۳۸۲). اسناد سازمان پیشاهنگی ایران در دوره رضا شاه، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۱). تاریخ معاصر یا حیات یحیی، تهران: نگاه.
- رودی، مانی. (۱۳۸۷). آموزش و پرورش در دوره رضاشاه، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین (مجموعه مقالات)، ترجمه: مصطفی ثاقب‌فر، تهران: نیل.
- سالور، قهرمان‌میرزا. (۱۳۷۴). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- قاسمی، پویا. (۱۳۷۷). مدارس جدید در قاجار بانیان و پیشروان، تهران: رشد.
- کسروی، احمد. (۱۳۴۴). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر.
- کوچک‌پور، صادق. (۱۳۶۹). نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین، رشت: گیلکان.
- گلریز، محمدعلی. (۱۳۶۸). مینودر یا باب‌الجنه قزوین، قزوین: انتشارات طه با همکاری مرکز قزوین، نشر میراث فرهنگی قزوین.
- گلریز، محمدعلی. (۱۳۹۰). اداره شهرداری قزوین. در مجموعه مقالات قزوین، دفتر دوم به کوشش مهرداد پرهیزکاری، تهران: روناس.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۶۸). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ورجوند، پرویز. (۱۳۷۷). سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ۳ ج، تهران: نشرنی.

روزنامه‌ها

روزنامه بازپرس، شماره ۷۲، سال دهم، ۱۳۱۴/۱۱/۱

روزنامه اطلاعات، ۱۳۰۶/۶/۱۴، شماره ۳۰۰

روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۴/۶/۱۹، شماره ۲۵۸۳

روزنامه اطلاعات، سال هفتم، شماره ۱۸۷۷، ۱۳۱۲/۱/۳۱

روزنامه اطلاعات، شماره ۴۳۷، ۱۳۰۶/۱۲/۲

روزنامه بازپرس، شماره ۱۳، ۱۳۰۵/۱۱/۹

روزنامه بازپرس، ۱۳۰۷/۳/۱۴، سال سوم، شماره ۳۱

روزنامه بازپرس، به تاریخ ۱۳۱۰/۱۰/۲۲، شماره ۹۸

روزنامه بازپرس، به تاریخ ۱۳۱۰/۱۲/۴، شماره ۱۱۰

روزنامه بازپرس، شماره ۳۳، ۱۳۱۴/۵/۱

روزنامه بازپرس، شماره ۱۶، ۱۳۱۴/۵/۱۶

روزنامه بازپرس، شماره ۴۵، ۱۳۱۴/۶/۱۶

روزنامه بازپرس، شماره ۴۶، ۱۳۱۴/۶/۱۸

روزنامه بازپرس، شماره ۴۹، سال دهم، ۱۳۱۴/۶/۳۱

روزنامه بازپرس، شماره ۵۲، سال دهم، ۱۳۱۴/۷/۹

روزنامه بازپرس، شماره ۷۲، سال دهم، ۱۳۱۴/۱۱/۱

روزنامه بازپرس، شماره ۷۷، ۱۳۱۴/۱۱/۲۰

روزنامه بازپرس، شماره ۸۵، سال دهم، ۱۳۱۴/۱۲/۲۳

روزنامه بازپرس، شماره ۱، سال ۱۱، ۱۳۱۵/۱/۱۰

روزنامه پیکان، سال اول، شماره ۱۰۲، ۱۳۰۲/۱۲/۲۶

روزنامه صلاح بشر، سال اول، شماره ۳، ۱۳۰۳/۴/۷

روزنامه نصیحت، شماره ۱، ۱۳۰۲/۱۱/۱۹

روزنامه نوروز، ۱۰۳۷، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۰/۴

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۳۵، سال چهاردهم، ۱۳۱۹/۹/۱۲

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۳۶، سال چهاردهم، ۱۳۱۹/۹/۲۸

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۳۷، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۰/۴

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۴۰، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۱/۱۲

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۴۱، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۱/۱۷

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۴۲، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۱/۲۶

روزنامه نوروز، شماره ۱۰۴۳، سال چهارم، ۱۳۱۹/۱۲/۳

اصلاح کتب مدارس، فصلنامه تعلیم و تربیت، دی ۱۳۰۴، سال اول - شماره ۱۰، ص ۳۰ - ۳۴.

تعلیم و تربیت، سال ۱، ش ۱، فروردین ۱۳۰۴، ص ۳۰؛ همان سال ۲، ش ۹ و ۱۰ دی ۱۳۰۶، ۴۶۰.

مجله تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۰۵

مجله تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۰۶

مجله تعلیم و تربیت، سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۳

مجله تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۱۷

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۱۷۹۶-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۳۷۹۱-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۵۴۹۱-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۳۵۹۶۴-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۴۳۰۸-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۸۸۷-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند (۱۴۳۳۲-۲۹۷)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۲۰-۲۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۴۰۸۲۲-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۳۵۳۲-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۳۱۹۷-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۲۵۳-۱۰۱۰۰۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۳۲۴-۱۰۱۰۰۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۴۳۱۷-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۲۷۵۳-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۵۰۲۰-۴-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۱۵۸۷۶-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۲۹۸۸۷-۲۹۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند ۳۱۰۴۶-۲۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی